



---

# اقتصاد برای همه

---

جلد اول: تشریح مفاهیم اقتصاد کلان به زبان ساده

تألیف

دکتر علی سرزعی

با مقدمه

دکتر هادی صالحی اصفهانی



سرشناسه	: سرزعیم، علی، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: اقتصاد برای همه/تألیف علی سرزعیم ؛ با مقدمه هادی صالحی اصفهانی.
مشخصات نشر	: تهران: ترمه، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ج.
شابک	: دوره ۲- ۳۹۳- ۹۷۸- ۹۶۴- ۹۷۸ ج ۱: ۹- ۳۹۴- ۹۷۸- ۹۶۴- ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
مندرجات	: ج ۱. تشریح مفاهیم اقتصاد کلان به زبان ساده
موضوع	: اقتصاد کلان
شناسه افزوده	: صالحی اصفهانی، هادی. ویراستار
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ف ۳ ف/ HB۱۸۰
رده‌بندی دیویی	: ۳۳۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۰۶۲۲۱



♦ نام کتاب:	.....اقتصاد برای همه (جلد اول: تشریح مفاهیم اقتصاد کلان به زبان ساده)
♦ مؤلف:	..... دکتر علی سرزعیم
♦ ویراستاران:	..... علی فروتن آغمیونی، جواد فلاحی، امین میری
♦ صفحه‌آرایی:	..... انتشارات ترمه
♦ طراح جلد:	..... انتشارات ترمه
♦ نوبت چاپ:	..... چهارم ۱۳۹۵
♦ ناشر:	..... انتشارات ترمه
♦ تیراژ:	..... ۱۰۰۰ نسخه
♦ لیتوگرافی:	..... زاویه
♦ چاپ و صحافی:	..... رسام - چاوش
♦ قیمت:	..... ۲۵۰,۰۰۰ ریال
♦ شابک جلد اول:	..... ۹- ۳۹۴- ۹۷۸- ۹۶۴- ۹۷۸
♦ شابک دوره:	..... ۲- ۳۹۳- ۹۷۸- ۹۶۴- ۹۷۸

دفتر تولید انتشارات ترمه: تهران- خ انقلاب- خ ۱۲ فروردین- پلاک ۲۸۶- طبقه اول - واحد ۴

تلفن: ۶۶۹۶۱۸۱۲ - فکس: ۶۶۹۶۱۷۶۹

دفتر فروش انتشارات ترمه: تهران- خ انقلاب- خ ۱۲ فروردین- پلاک ۲۹۰

تلفن: ۶۶۹۶۳۳۰۱ - فکس: ۶۶۴۹۶۶۲۸

مرکز فروش شهرستان‌ها:

تلفن: ۶۶۴۸۱۵۱۴ - فکس: ۶۶۹۵۷۰۲۱

برای اطلاع از نحوه خرید اینترنتی انتشارات ترمه به وب‌سایت ما به آدرس زیر مراجعه فرمایید.

www.termehbook.ir      Info @ termehbook.ir

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کل یا جزء، به هر صورت [چاپ، کپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی] بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است

شاید بتوان مهم‌ترین ویژگی اقتصاد ایران را بی‌ثباتی در سطح کلان و انحصار در سطح خرد دانست. این در حالی است که در کشورهای توسعه‌یافته تمام تلاش سیاست‌گذاران معطوف به آنست که در عرصه کلان اقتصاد ثبات و در عرصه خرد و در سطح بنگاه رقابت حداکثر شود. لذا تا زمانی که بی‌ثباتی در سطح کلان در اقتصاد رواج دارد فعالیت‌های مربوط به بهینه‌سازی فعالیت‌ها در سطح بنگاه‌ها چندان مجالی برای عرضه اندام نخواهد یافت چرا که سودآوری بنگاه‌ها بیشتر ناشی از نوسانات متغیرهای کلان نظیر نرخ ارز، نرخ بهره و تورم خواهد بود. در چنین شرایطی انتظار می‌رود که فعالین اقتصادی در سطح جامعه به‌طور عام و فعالین بازار سرمایه به‌طور خاص از دانش اقتصاد کلان برای درک این نوسانات برخوردار باشند. متأسفانه این مشکل وجود دارد که در مجموعه آموزش‌هایی که در رشته مدیریت مالی ارائه می‌شود اقتصاد و خصوصاً اقتصاد کلان جای کمی دارد و محتواهای آموزشی بیشتر معطوف به تحلیل در سطح بنگاه است. در عمل نیز آموزش اقتصاد کلان در دانشکده‌های مربوط به رشته مدیریت مالی و مهندسی مالی هنوز با وضعیت مطلوب فاصله دارد. شرکت تأمین سرمایه سپهر با عنایت به وجود این خلأ و فرصت همکاری با آقای دکتر سرزیم، این فرصت را غنیمت شمرد تا در انتشار کتاب "اقتصاد برای همه" مشارکت داشته باشد. انگیزه اصلی در این کار کمک به ارتقای دانش اقتصادی در میان توده مردم و فعالین بازار سرمایه است و انتظار می‌رود این کتاب به شیوه‌ای که نگارش یافته بتواند این هدف را به سهم خود محقق سازد. در پایان وظیفه خود می‌دانم به نیابت از هیئت‌مدیره از همکاری صمیمانه کانون نهادهای سرمایه‌گذاری ایران، ناشر و نویسنده محترم در نشر کتاب سپاسگزاری کنم.

بهروز زارع

مدیرعامل شرکت تأمین سرمایه سپهر

ایران طی نیم قرن گذشته تحولات سیاسی عجیبی را تجربه کرده است: انقلاب، جنگ، کودتا، جنگ داخلی، اصلاحات، پوپولیسم و ... متأسفانه اقتصاد ایران مصون از این تحولات نبوده و به تبع این تحولات اقتصاد ایران نیز نوسانات شدیدی را تجربه کرده است. شاید یکی از مهم ترین نقاط افتراق اقتصاد ایران از اقتصادهای پیشرفته بی ثباتی شدید باشد. در کشورهای پیشرفته سیاست گذاران اقتصادی تلاش می کنند تا محیط باثباتی در عرصه کلان ایجاد کنند و در سطح خرد رقابت را تشدید کنند. نتیجه این امر آنست که مثلاً اگر افراد در حوزه شغل و معیشت خود بی ثباتی می بینند عمدتاً ناشی از شدت رقابت است در حالی که در ایران مسئله معکوس است. در سطح خرد و در بسیاری از بازارها رقابت وجود ندارد ولی محیط کلان به شدت بی ثبات است و این نوسانات بیرونی است که موفقیت یا شکست بنگاهها را رقم می زند. گاه ناگهان ارز گران می شود و شرکتی که درآمد ارزی داشته سود غیرعادی می برد و گاه دولت بر صادرات محصولی به دلیل گران شدن یا ناپاب شدن در داخل محدودیت اعمال می کند و شرکت صادرکننده آن محصول را به زیان می کشاند. در چنین شرایطی تخصص هایی که تلاش می کنند فرآیند تولید و اداره یک بنگاه را بهینه کنند بی معنی و بدون توجیه می شوند چرا که دغدغه اصلی مدیران بنگاه نه بهینه کردن فرآیند تولید بلکه مدیریت ریسک بازار و تلاش برای دستیابی به رانت های موجود در اقتصاد است.

حال این سؤال پیش می آید که آیا این نوسانات اقتصاد صرفاً ناشی از شوک های بیرونی بوده که به اقتصاد وارد شده است؟ بنا به فرض وظیفه نظام تصمیم گیری اقتصاد آنست که از ابزارهای سیاستی برای مدیریت نوسانات اقتصادی در کوتاه مدت و ایجاد بستر رشد در بلندمدت استفاده کند. متأسفانه می توان ادعا کرد که نظام سیاست گذاری نه تنها در مهار شوک های بی ثبات کننده موفق نبوده بلکه خود با اتخاذ سیاست های غلط این بی ثباتی را تشدید کرده است. سپس این سؤال مطرح می شود که چرا وضعیت به این صورت است؟ چرا سیاست های اقتصادی مناسبی اتخاذ نمی شود؟ پاسخ به این سؤال مجال وسیع به اندازه خود این کتاب می طلبد. اساساً در علم اقتصاد شاخه ای از تحقیقات اقتصادی تحت عنوان "اقتصاد سیاسی" به این سؤال می پردازد که محدودیت های سیاسی چگونه بر سیاست های اقتصادی تأثیر می گذارند. فارغ از این رویکرد، حداقل چند عامل دیگر را می توان برشمرد که به طور مشخص بر ضعف نظام تصمیم گیری اقتصادی مؤثرند:

۱. نظام کارشناسی که وظیفه سیاست سازی و تصمیم سازی را بر عهده دارد به اندازه کافی پخته، ماهر و مسلط به دانش روز نیست. در واقع رشته اقتصاد به عنوان دانش کشورداری و سیاست گذاری از ضعف شدیدی رنج می برد و در مقایسه با رشته های مهندسی و پزشکی توسعه نیافته تر است. به همین دلیل به رغم پیشرفت های فنی و پزشکی در وضعیت اقتصادی ما بهبود مشخصی رخ نمی دهد. ضعف نظام دانشگاهی در آموزش اقتصاد آثار خود را به شکل ضعف نظام کارشناسی در بدنه دولت ظاهر می کند.
۲. از سوی دیگر نظام تصمیم گیری و سیاست گذاری کشور از همین پتانسیل نظام کارشناسی موجود نیز به میزان لازم استفاده نمی کند. این جانب با اطمینان عرض می کنم که اگر نظام تصمیم گیری از همین پتانسیل موجود

در نظام کارشناسی استفاده می‌کرد، خطاهای تصمیم‌گیری به شدت کمتر می‌شد و در شرایط بهتری قرار داشتیم. متأسفانه بدبینی نظام تصمیم‌گیری به علم اقتصاد و غربی‌دانستن آن در مقطعی موجب شده است تا نسبت به این دانش سودمند برای حاکمیت بی‌مهری شود. متأسفانه بدبینی نسبت به علم اقتصاد منحصر به مسئولین ایدئولوژیک نیست بلکه این تفکر در میان توده مردم رواج شدیدی دارد که ایران وضعیت منحصر به فردی دارد و علوم اجتماعی به‌طور عام و علم اقتصاد به‌طور خاص نمی‌تواند در ایران کاربرد داشته باشد.

۳. فرهنگ اقتصادی حاکم بر افکار عمومی در ایران چپ‌گرایانه و مداخله‌جویانه است. عموم مردم تصور می‌کنند که دولت در هر چیز باید مداخله کند. همین‌که تورم ایجاد می‌شود همه انتظار دارند که دولت ستاد تعزیرات حکومتی را فعال کند. چنین تقاضاهایی به شکل فشارهای سیاسی حاکمیت را به سمت وسوی غلط می‌کشاند. متأسفانه رسانه‌های فراگیر در ایران به‌طور عام و نشریات و رسانه‌هایی که مخاطبین دانشگاهی و روشنفکر دارند همگی در شیور چپ‌گرایی (به اشکال صریح یا غیرصریح آن، مثلاً در نقاب نهادگرایی) می‌دمند و تفکرات غلط را در میان مردم و نخبگان رواج می‌دهند. این‌جانب زمانی که در دوران سربازی به‌عنوان امریه در رسانه ملی خدمت می‌کردم شاهد بودم که مدیر گروه اقتصاد رسانه ملی اساساً تفکر اقتصادی غلط و مخدوشی داشت و اتفاقاً در رسانه ملی جزو موفق‌ترین و آگاه‌ترین مدیران سازمان ارزیابی می‌شد! رسانه‌های ناآگاه خوراک نادرست به جامعه تزریق می‌کنند و جامعه‌ای که با اندیشه‌های غلط مسموم شده باشد از دل خود مدیران و سیاست‌مدارانی با ذهنیت‌های نادرست به عرصه حکومت تحویل می‌دهد. معمولاً هر سیاست‌مدار جدیدی که به عرصه حاکمیت وارد می‌شود دوره زمانی نسبتاً طولانی را با سعی و خطا سپری می‌کند تا اندک‌اندک به‌غلط بودن تصورات قبلی خود پی ببرد. طبیعی است که هرچه فرد به مسائل از دریچه ایدئولوژیک و جزمی اندیشی نگاه کند، احتمال اصلاح آن کمتر و زمان اصلاح آن بیشتر می‌شود. این‌جانب پس از اتمام تحصیلات خود در مقطع کارشناسی ارشد در حوزه اقتصاد متوجه این نکته شدم که اقتصاددانان مبرز در ایران بسیار معدود هستند و همین افراد نیز از لزوم گفتگو با جامعه غافل‌اند. وقت عمده اقتصاددانان برجسته صرف شرکت در جلسات کارشناسی یا ارائه مشاوره به سیاست‌گذاران می‌شود و آن‌ها زمانی را برای گفتگو و آموزش جامعه اختصاص نمی‌دهند. در عین حال کتاب‌های اقتصادی در مقایسه با کتاب‌های فلسفی و علوم سیاسی به مراتب اندک است و عطش موجود در این عرصه برآورده نمی‌شود. در میان کتاب‌های اقتصادی موجود نیز کتاب‌های مارکسیستی و کتاب‌های تخصصی دانشگاهی سهم قابل توجهی دارند و کتاب‌هایی که برای مخاطب عام باشد بسیار معدود و انگشت‌شمار است. از سویی احساس می‌کردم که می‌توانم مفاهیم غامض اقتصادی را به زبان ساده بیان کنم. به یاد دارم که در مصاحبه‌ای پاول کروگمن (نویسنده معروف نیویورک‌تایمز و برنده جایزه نوبل اقتصاد و استاد اقتصاد دانشگاه پرینستون) گفته بود اگر اقتصاددانان با زبان ساده با مردم سخن نگویند مردم فریبان اندیشه‌های غلط خود را به خورد مردم خواهند داد (قریب به مضمون).

من از سه زاویه شروع به کار کردم. از یک‌سو در روزنامه دنیای اقتصاد هر هفته سرمقالاتی در تحلیل و نقد سیاست‌های اقتصادی منتشر کردم. در گام دوم در وبلاگ شخصی خود (دوستدار سقراط)، آموزش اقتصاد را

به مخاطبین دنبال نمودم. در گام سوم کتاب حاضر را نگاشتم. نسخه اولیه این کتاب در سال ۱۳۸۴ آماده شد و برای اساتید و دانش‌آموختگان اقتصاد ارسال شد. به‌رغم تأییدی که از اساتید معروف داخلی دریافت کردم آن را برای دکتر هادی صالحی اصفهانی فرستادم و خوشبختانه با استقبال ایشان مواجه شدم. ایشان با دقت مثال‌زدنی نکات فراوانی را در جای‌جای کتاب مشخص کردند که از دید ایشان باید اصلاح می‌شد. بسیاری از این نکات کاملاً جدید و گاه مخالف مطالبی بود که در دانشگاه از اساتید میرز داخلی آموخته بودم. لذا از ایشان درخواست کردم که زمانی را برای گفتگو درباره آن‌ها اختصاص دهند که با بزرگواری پذیرفتند. به خاطر می‌آورم که آن روزها با توجه به اختلاف ساعت بین ایران و آمریکا صبح‌های زود از خواب بر می‌خاستم و با علاقه با ایشان گفتگو می‌کردم. در خلال این گفتگوها به عمق دانش ایشان پی بردم. روحیه معلمی ایشان در آموزش مفاهیم اقتصادی برایم درس‌آموز بود. در عین حال دقت نظری که در کتاب اعمال کرده بودند حیرت‌آور بود تا جایی که ترجیح دادم انتشار آن را متوقف کنم تا به جمع‌بندی دقیق‌تر برسم.

با روی کار آمدن دولت آقای احمدی‌نژاد و بروز خطاهای سیاست‌گذاری شدید گاه تأسف می‌خوردم که چرا کتاب را منتشر نکردم و به‌رغم این‌که در مورد برخی از مباحث تردیدهایی داشتم ولی شاید نفع انتشار آن بیشتر از معایب آن می‌بود. چند بار قصد کردم که آن را نهایی کنم و در این زمینه تلاش‌هایی کردم، اما منصرف شدم. تا این‌که پس از اتمام دوره دکترا وظیفه خود دانستم که کارهای نیمه‌تمام سابق را نهایی کنم که این کتاب یکی از آن‌ها است. خوشبختانه حسن ظن مدیرعامل شرکت تأمین سرمایه سپهر (آقای بهروز زارع) این امکان را در اختیار این‌جانب قرار داد تا اصلاحات نهایی را در کتاب اعمال کنم و ویرایش نهایی آن را مجدداً در اختیار آقای دکتر صالحی قرار دهم که با اصلاحات معدود روبرو شد. در پایان ضمن قدردانی از هیئت‌مدیره شرکت تأمین سرمایه سپهر که پشتیبانی از نشر کتاب را متقبل شدند و کانون نهادهای سرمایه‌گذاری ایران که کمک به نشر کتاب را بر عهده گرفت، وظیفه خود می‌دانم که از آقای دکتر صالحی اصفهانی بابت همه لطف‌هایشان به‌طور ویژه تشکر کنم. هم در سال اخیر و هم در سال ۱۳۸۴، دوست خوب و اندیشمندم آقای دکتر علی حیدری خسرو با دقت نظری تحسین‌برانگیز کل کار را مطالعه و پیشنهادهای ارزشمندی به این‌جانب ارائه کردند که وظیفه خود می‌دانم از ایشان سپاسگزاری کنم. آقایان دکتر مسعود نیلی و دکتر یویان مشایخ نیز لطف کردند و دست‌نویس اولیه را مطالعه و در فرایند تکمیل کار نکاتی را پیشنهاد کردند که بابت توجه به این کار از همه آن‌ها سپاسگزارم. با همه این احوال، مشخص است که همه اشکالات کتاب متوجه این‌جانب است و هیچ‌کدام از دیگر بزرگواران در این زمینه مسئولیتی ندارند. در پایان امیدوارم این کتاب بتواند ارتباط خوبی با مخاطبین عادی برقرار کند و به بهبود تفکرات اقتصادی توده مردم یاری رساند.

علی سرزعیم

۳۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳

Ali\_sarzaem@yahoo.com

## مقدمه نویسنده بر چاپ دوم کتاب

با حسن استقبال جامعه کتاب‌خوان، دانشجویان و نخبگان کشور، چاپ اول کتاب در سال اول به سرعت تمام شد. در این فاصله ضمن بازخوردهای مثبتی که در صفحه کتاب در سایت شخصی<sup>۱</sup> و صفحه کتاب در فیس‌بوک<sup>۲</sup> و همچنین به صورت شخصی دریافت کردم، احساس کردم که شاید اعمال تغییراتی جزئی در کتاب ضروری باشد. موارد محدودی حذف و سطوری به کتاب اضافه شد. به عنوان مثال، معادل انگلیسی بسیاری از کلمات در پانویس عرضه شد. علاوه بر آن، برخی اصطلاحات تخصصی کماکان در متن وجود داشت که به پانویس منتقل شد یا در پانویس توضیح داده شد و یا به کلی حذف شد. اطلاعات آماری بروز شد و کیفیت شکل‌ها بهبود یافت. برای این مقصود دوست خوبم آقای دکتر رحیمیان زحمت زیادی را متقبل شدند که از ایشان بابت لطف و فداکاری‌شان سپاسگزارم.

زمانی که این کتاب تهیه شد برایم مشخص نبود که آیا جلد دوم کتاب که به تشریح اقتصاد خرد می‌انجامد نهایتاً عرضه خواهد شد یا نه، به همین دلیل برخی مباحث در همین جلد آورده شد. اینک که جلد دوم کتاب در شرف تکمیل است، مردد بودم که برخی فصول را حذف کنم و به جلد دوم منتقل نمایم یا نه. در هر صورت تصمیم گرفتم حجم این فصول را کم کرده ولی کماکان در کتاب باقی بمانند. از نظر منطقی مطالعه جلد دوم که همان اقتصاد خرد به زبان ساده است بر مطالعه این کتاب مقدم است، اما کتاب طوری تنظیم شد که اگر کسی این جلد را ابتدا بخواند برایش قابل استفاده باشد.

همچنین متوجه شدم که اشکالات و ویرایشی چندی در کتاب وجود داشته که در چاپ اول لحاظ نشده بود. متأسفانه مشکلاتی که در چاپ اول کتاب رخ داد این فرصت را از ناشر گرفت که بتواند متن را به شکل پیراسته‌تری عرضه کند. سه نفر از خوانندگان کتاب به نام‌های آقایان علی فروتن، امین میری و جواد فلاحی داوطلبانه ویراستاری کتاب را انجام داده و نتیجه را برای این جانب ارسال کردند که ضمن تشکر از همه آن‌ها، این اصلاحات در این چاپ منعکس شده است.

این کتاب سه هدف را دنبال می‌کند. هم کسانی که می‌خواهند از مباحث اقتصاد کلان سر در بیاورند، اطلاعات و مفاهیم اولیه را در اینجا بیابند و هم کسانی که درس اقتصاد کلان دارند ولی ارتباط آن را با مباحث روز در نمی‌یابند از طریق این کتاب به این ارتباطات پی ببرند. در نهایت، روشنفکران و دانشگاهیان بتوانند رؤس اصلی استدلالاتی که له و علیه یک موضوع در حوزه اقتصاد وجود دارد، یکجا و به شکل نقادانه مشاهده کنند. در پایان امیدوارم کتاب مقبول اصحاب علم و آگاهی قرار گیرد.

علی سرزعییم اردیبهشت ۱۳۹۴

1. <http://sarzaem.ir/fa/economicsforall>  
2. <https://www.facebook.com/eghtesadbarayehame>

امروزه علم اقتصاد موفق‌ترین علم در میان علوم اجتماعی ارزیابی می‌شود چرا که با اتکا به ابزار ریاضی توانسته روش‌هایی اصولی برای مطالعه، تبیین و پیش‌بینی پدیده‌های اجتماعی ارائه کند؛ اما پیشرفت آن هم‌زمانی میان دانش‌آموختگان رشته اقتصاد و توده مردم را بیش از پیش کاهش داده است. قریب به یک دهه است که اقتصاددانان در آمریکا و اروپا متوجه این نقطه ضعف شده‌اند و قدم‌هایی در جهت رفع این خلأ برداشته‌اند، ولی این فاصله کماکان بسیار عظیم است و نیاز است تا گام‌های بسیار بیشتری در این راستا برداشته شود. مناسبانه در ایران نیز همین مشکل با پیچیدگی بیشتری مطرح است چون در تمام سطوح آموزش علم اقتصاد بسیار محدودتر و نارساتر است و از این جهت خلأهای بزرگ‌تری حس می‌شود. من نخستین بار چند سال پیش پیش‌نویس کتاب حاضر را دیدم و ارائه نسخه نهایی آن به عموم مردم را گام بسیار مثبتی ارزیابی کردم و متوجه شدم که قلم ساده و روان آقای دکتر سرزعیم در بیان مؤثر و همه‌فهم مباحث پیچیده اقتصاد توانمند است. لذا ایشان را به تکمیل و ادامه کار تشویق کردم و خودم نیز به سهم خود در بهبود آن مشارکت ورزیدم.

به‌عنوان یک ناظر بیرونی مشکلی که در عرضه اندیشه اقتصادی در ایران مشاهده می‌کنم درک محدود مباحث اقتصادی در میان شهروندان و سیاست‌گذاران است که نتیجه آن افراط و تفریط و ناکارایی رویکردهای اتخاذشده به سیاست اقتصادی است. چند دهه قبل با غلبه هیجانات سیاسی، بدبینی نسبت به اقتصاد بازار شدید بود و هرکس که از استفاده از مکانیسم بازار دفاع می‌کرد عامل امپریالیسم تلقی می‌شد. شکست تفکرات مبتنی بر مکانیسم برنامه‌ریزی مرکزی و تبعات منفی آن در اقتصاد ایران برخی را به سمت دیگر سوق داده است که به شکل مطلق و غیرمشروط در مورد محاسن اقتصاد بازار موضع‌گیری می‌کنند، بی‌توجه به این که تجربه تحولات کشورهای پیشرفته و در حال توسعه درس‌های مهمی در مورد شرایط کارکرد یا عدم کارکرد مکانیسم بازار به همراه داشته است. امروز به یمن تحقیقات متعددی که صورت گرفته مشخص شده است که وقتی مکانیسم بازار به‌خوبی کار می‌کند که نهادهای متعددی در اقتصاد وجود داشته باشد. امروزه به‌خوبی مشخص شده که موارد شکست بازار یعنی مواردی که مکانیسم بازار آزاد موفق نیست بسیار متعدد و به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، بسیار فراگیر و گوناگون است. در نتیجه استفاده مؤثر از اقتصاد بازار نیاز به پیش‌شرط‌های زیادی، از جمله نهادهای مربوط به حقوق مالکیت و مقررات و سیاست‌گذاری یابنات و قابل‌اعتماد دارد. انتظار معجزه از مکانیسم بازار بدون فراهم کردن این شرایط تنها یاس به دنبال دارد. از طرف دیگر، عدم استفاده از اقتصاد بازار به معنی کنار گذاشتن مهم‌ترین و مؤثرترین ابزار شناخته‌شده در ایجاد رشد و توسعه اقتصادی است. برای تنبه کافی است که به این واقعیت توجه کنیم که کشور مصر قریب به ۱۰۰ سال دارای بازارهایی با حداقل مداخلات دولت بود اما این کشور به‌هیچ‌عنوان رشد اقتصادی را تجربه نکرد. بعد در دهه ۱۳۴۰ که دولت مصر تصمیم گرفت بازارها را تعطیل کند و به



برنامه‌ریزی متمرکز و کنترل مستقیم تولید روی بیاورد، رشد اقتصادی کوتاه‌مدت ایجاد شد، ولی به‌زودی کار به رکود سختی کشید که سال‌های سال اقتصاد مصر را با مشکل روبرو کرد. مسئله این نیست که یا باید طرفدار مداخلات وسیع دولت بود یا باید چشم‌پسته از مکانیسم بازار دفاع کرد، بلکه مسئله این است که بدانیم در چه مواردی مداخله هوشمندانه دولت می‌تواند مؤثر باشد بدون اینکه به ورطه دولت‌گرایی فرو غلتیم. تجربه کشورهای آسیای شرقی و چین طی ۳۰ سال گذشته نشان داده است که دولت چگونه می‌تواند مداخلات مؤثر و هوشمندانه‌ای داشته باشد که زمینه رشد اقتصادی معجزه‌گونه بخش بزرگی از جهان را فراهم سازد. این جانب با توجه به استعداد و علاقه‌ای که در آقای سرزعیم مشاهده کردم به تفصیل با ایشان درباره موارد شکست بازار و ملزومات مقابله با آن‌ها سخن گفتم که ماحصل این گفتگوها به اشکال مختلف در جای‌جای کتاب منعکس گردیده و موجب شده است تا نسخه فعلی کتاب تفاوت قابل‌توجهی با نسخه اولیه داشته باشد، اما این فرصت را مغفتم می‌دانم تا برای تأکید بیشتر به اختصار در هر زمینه نکاتی را بیان کنم. تجربه بحران مالی اخیر نشان داد که حوزه مالی و بانکی عرصه‌ای نیست که اگر به دست مکانیسم بازار آزاد سپرده شود، عملکرد موفق‌تری داشته باشد. در این عرصه به دلیل مخاطرات اخلاقی و اطلاعات محدود و نامتقارن، احتمال عدم کارایی یا ایجاد بحران مالی جدی است و لازم است تا فعالیت این بازارها تحت مقررات مناسب از سوی نهادهای ناظر قرار داشته باشد.

در رابطه با مبارزه با تورم، اقتصاددانان ایرانی به‌صورت کلیشه‌ای به رابطه میان رشد نقدینگی و تورم معتقدند، در صورتی که دیری است این رابطه محل سؤال واقع شده است و نمی‌توان به وجود رابطه ساده‌ای بین آن‌ها در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت قائل شد چون تأثیر رشد نقدینگی روی تورم به چند عامل مهم دیگر بستگی دارد. نوع شکل‌گیری انتظارات عاملان اقتصادی و ماهیت و نحوه سیاست‌گذاری نهادهای سیاست‌گذاری مالی و پولی از آن جمله‌اند.

در عرصه سیاست ارزی نیز نباید صرفاً افزایش یا کاهش نرخ اسمی ارز را منطقی دانست. بسته به شرایط، موضع‌گیری می‌تواند متفاوت باشد. مثلاً در شرایطی که اقتصاد با افزایش شدید درآمد نفتی روبروست و دولت امکان ذخیره بخشی از آن درآمد را ندارد (مانند سال ۱۳۸۶) و این نگرانی وجود دارد که ورود درآمد جدید تورم شدیدی ایجاد کند، کاهش نرخ ارز می‌تواند سیاست مناسبی باشد؛ اما در شرایط فعلی که اقتصاد ایران افت شدیدی را در سال ۱۳۹۱ تجربه نمود، افزایش نرخ ارز (نرخ دلار) سیاستی است که می‌تواند موجب رشد صادرات غیرنفتی گردد و اقتصاد ایران را متنوع سازد. به‌رحال سیاست‌گذاری در هر یک از این موارد بستگی به شرایط دارد و فرمول ساده و از پیش‌ساخته‌ای برای این کار وجود ندارد.

در عرصه سیاست مالی عموم اقتصاددانان ایران به بیماری هلندی یا شومی منابع معتقدند در صورتی که به اعتقاد من تبعات مفروض در این فرضیه‌ها موجب نمی‌شود تا کشور را از درآمدهای ارزی محروم ساخت.

اقتصاد ایران نیازمند رشد و سرمایه‌گذاری است و باید با شناخت مشکلات راه‌های درستی برای غلبه بر پیامدهای منفی پیدا کرد و از درآمدهای بالای نفت برای رشد سرمایه‌گذاری و رشد بازدهی بهره برد.

حوزه‌های تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی از جمله عرصه‌هایی است که به‌خوبی نشان می‌دهد نباید دچار افراط و تفریط شد. بستن درهای اقتصاد به روی تجارت جهانی و انزوای اقتصادی تنها عقب‌ماندگی را به دنبال دارد. از طرف دیگر، باز کردن درهای اقتصاد خصوصاً باز کردن بی‌مجا‌بای بازارهای سرمایه به روی سرمایه‌های جهانی بدون ایجاد نهادها و مقررات لازم برای تنظیم و ضربه‌گیری ممکن است آسیب‌هایی نظیر آنچه در بحران آسیای جنوب شرقی رخ داد، به دنبال داشته باشد. کره، چین، اندونزی و مالزی و اخیراً ترکیه به‌خوبی یاد گرفته‌اند که چگونه از تجارت جهانی برای بهبود وضعیت اقتصاد بهره بگیرند و حداقل زیان را از باز کردن اقتصادها متحمل شوند.

بازار کار میدان دیگری است که بالقوه با مشکلات عدیده‌ای روبروست و نیاز به تنظیم مناسب دارد. مداخلات بد می‌تواند عملکرد آن بازار را مختل و شکست آن را تشدید کند، اما مداخلات هوشمندانه و درست می‌تواند به رشد اشتغال و بهره‌وری یاری رساند و درعین حال به بهبود سطح و توزیع درآمد، بیانجامد، فقر و توزیع درآمد نیز اموری نیستند که با رشد اقتصادی به‌طور خودکار حل شوند بلکه لازم است این ملاحظات در سیاست‌گذاری‌های دولت مورد توجه واقع شوند. در واقع بدون بیمه‌های اجتماعی و تهادهای حمایتی مؤثر و مکانیسم‌های بازتوزیع عادلانه، اقتصاد بازار عاقبت دچار بی‌ثباتی و بحران مشروعیت می‌شود. در نهایت رشد اقتصادی امری نیست که به‌خودی‌خود رخ دهد. دولت‌ها می‌توانند با بهبود بخشیدن به فضای کسب‌وکار و اصلاح نظام انگیزشی و حمایتی در اقتصاد از طریق مداخلات مؤثر و هوشمندانه در ایجاد نهادهای تقویت‌کننده رشد، زمینه‌های توسعه اقتصادی را فراهم کنند.

در پایان امیدوارم سعی و تلاش نویسنده کتاب در انتقال مفاهیم اقتصادی به عموم مردم و نظام سیاست‌گذاری قرین موفقیت باشد. چشم‌انتظار آن هستیم که نشر این کتاب زمینه نشر کتاب‌هایی از این دست را فراهم سازد.

هادی صالحی اصفهانی

استاد اقتصاد دانشگاه ایلینوی در اوربانا- شمپین - آمریکا

سر‌دبیر مجله پژوهشی Quarterly Review of Economics and Finance

# فهرست مطالب

## فصل اول: سیاست‌های معطوف به رشد اقتصادی

۱	.....	مقدمه
۱	.....	شاخص سنجش اقتصاد
۳	.....	شاخص پیشرفت
۵	.....	شاخص رفاه و توسعه
۱۱	.....	سیاست‌های محرک رشد
۱۱	.....	سرمایه‌گذاری داخلی
۱۴	.....	امنیت سرمایه
۱۷	.....	ثبات سیاسی و سیاست‌گذاری
۱۹	.....	سرمایه‌گذاری خارجی
۱۹	.....	استقرارش خارجی
۲۱	.....	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۲۴	.....	قرارداد بیع متقابل
۲۵	.....	نهاده‌ها
۲۷	.....	دیگر عوامل محرک رشد اقتصادی
۲۸	.....	تنوری رشد سولو
۲۹	.....	تنوری‌های جدید رشد
۳۲	.....	فضای کسب‌وکار

## فصل دوم: سیاست پولی

۴۱	.....	مقدمه
۴۲	.....	مفهوم نرخ بهره
۴۴	.....	قیمت تعادلی سرمایه
۴۶	.....	نرخ بهره واقعی و اسمی
۴۷	.....	تفاوت نرخ بهره داخل و خارج
۴۹	.....	نقش نظام بانکی در اقتصاد (۱)
۵۳	.....	نظام بانکی در ایران
۵۷	.....	ارزیابی بهره به‌عنوان مکانیسم‌گزینش
۶۰	.....	نقش بانک مرکزی در اقتصاد (۱)
۶۲	.....	سیاست افزایش یا کاهش نرخ بهره
۷۱	.....	ربا یا بهره

## فصل سوم: سیاست‌های ناظر به مهار تورم

۷۵	.....	مقدمه
۷۶	.....	معرفی مفاهیم پولی
۷۷	.....	تعریف تورم

۷۸	اندازه‌گیری تورم
۷۹	تورم در ایران و جهان
۸۱	پیامدهای تورم
۸۶	نقش نظام بانکی در اقتصاد (۲)
۸۷	نقش بانک مرکزی در اقتصاد (۲)
۸۹	ابزارهای سیاست‌گذاری پولی
۹۱	تأثیرات سیاست پولی
۹۲	استقلال بانک مرکزی
۹۶	دیدگاه‌های رایج در تبیین تورم
۱۰۳	درک نادرست از مفهوم نقدینگی
۱۰۴	سیاست کنترل یا آزادسازی قیمت‌ها
۱۱۴	سیاست افزایش قیمت حامل‌های انرژی

### فصل چهارم: سیاست ارزی

۱۲۹	مقدمه
۱۲۹	کارکردهای نرخ ارز
۱۳۲	رابطه نرخ ارز اسمی و نرخ ارز حقیقی
۱۳۶	فرضیه برابری قدرت خرید
۱۳۸	عوامل مؤثر بر نرخ ارز حقیقی
۱۴۰	رابطه نرخ تورم و نرخ ارز
۱۴۲	تقویت یا تضعیف ارزش پول ملی
۱۵۰	نظام‌های نرخ ارز
۱۵۲	یکسان‌سازی نرخ ارز

### فصل پنجم: سیاست‌های معطوف به کوچک و قوی کردن دولت

۱۵۵	مقدمه
۱۵۵	شکست بازار
۱۵۸	تبعات وجود دولت
۱۶۳	تحول نقش دولت در غرب
۱۶۴	نقش دولت در تنوری‌های اقتصاد توسعه
۱۶۷	گسترش دولت در ایران
۱۷۰	خصوصی‌سازی

### فصل ششم: سیاست‌های ناظر بر ایجاد رقابت و انحصار زدایی

۱۷۵	مقدمه
۱۷۶	انحصار
۱۷۶	پیامدهای انحصار
۱۷۷	عوامل ایجاد کننده انحصار
۱۸۱	انحصار در بازارهای ایران

## فصل هفتم: سیاست مالی

۱۸۵	.....	مقدمه
۱۸۶	.....	بودجه دولت
۱۸۷	.....	اجزاء درآمد دولت
۱۸۹	.....	درآمد حاصل از صادرات نفت
۱۸۹	.....	قیمت جهانی نفت
۱۹۲	.....	صادرات نفت خام
۱۹۴	.....	شومی منابع
۱۹۶	.....	چگونگی هزینه کرد درآمدهای نفتی
۱۹۶	.....	۱- هزینه کردن درآمد نفت در اقتصاد
۲۰۷	.....	۲- جدا کردن درآمد نفت از اقتصاد داخلی
۲۰۷	.....	۳- توزیع درآمد نفت در میان مردم
۲۰۸	.....	درآمد مالیاتی
۲۱۰	.....	هزینه های دولت

## فصل هشتم: سیاست های تجاری

۲۱۷	.....	مقدمه
۲۱۷	.....	مفاهیم پایه
۲۱۹	.....	نگرش های موجود به تجارت بین الملل
۲۲۵	.....	جهانی شدن
۲۳۰	.....	سیاست تجاری و صنعتی

## فصل نهم: سیاست های معطوف به اشتغال

۲۴۱	.....	مقدمه
۲۴۲	.....	مفاهیم پایه
۲۴۲	.....	بازار کار
۲۴۶	.....	مقررات گذاری در بازار کار
۲۵۱	.....	انقسام بیکاری
۲۵۲	.....	بازار کار در ایران

## فصل دهم: سیاست های معطوف به تحقق عدالت اجتماعی

۲۵۹	.....	مقدمه
۲۶۰	.....	مشخصات اقشار فقیر در ایران
۲۶۲	.....	فقرزدایی
۲۶۵	.....	اعطای یارانه در ایران
۲۷۱	.....	توزیع درآمد
۲۷۲	.....	ضریب جینی
۲۷۴	.....	توزیع درآمد در ایران
۲۷۶	.....	مفهوم بهینگی پارتو
۲۸۲	.....	توسعه و نابرابری
۲۸۴	.....	دیدگاه های نظری جدید در زمینه عدالت
۲۸۷	.....	جمع بندی و نتیجه گیری
۲۹۳	.....	منابع و مآخذ

شکل ۱:	روند نرخ رشد اقتصادی ایران	۴
شکل ۲:	روند درآمد سرانه در ایران	۸
شکل ۳:	آثار تغییر نرخ بهره دولتی بر نرخ بهره بازار آزاد	۶۸
شکل ۴:	روند تورم در ایران	۷۹
شکل ۵:	مکانیسم حاکم بر ایجاد تورم از دیدگاه هواداران تئوری فشار هزینه	۹۷
شکل ۶:	مکانیسم حاکم بر ایجاد تورم از دیدگاه هواداران تئوری مازاد تقاضا	۹۹
شکل ۷:	تغییرات تورم و نقدینگی ایران	۱۰۰
شکل ۸:	اثرات مختلف کنترل دولتی قیمت‌ها	۱۱۲
شکل ۹:	آثار پایین نگه داشتن قیمت بنزین	۱۲۱
شکل ۱۰:	مکانیسم اثرگذاری نرخ ارز بر صادرات و واردات	۱۳۱
شکل ۱۱:	روند نرخ ارز حقیقی در ایران	۱۳۵
شکل ۱۲:	روند نرخ ارز حقیقی در برزیل، آلمان و ژاپن	۱۳۸
شکل ۱۳:	آثار نرخ ارز بر متغیرهای مختلف اقتصادی	۱۴۷
شکل ۱۴:	شاخص اختلالات دولت	۱۷۰
شکل ۱۵:	شاخص اثربخشی دولت	۱۷۱
شکل ۱۶:	اثرات درآمد نفت بر متغیرهای کلیدی اقتصادی	۱۸۸
شکل ۱۷:	روند درآمد سرانه کشورهای نفتی و غیرنفتی	۱۹۵
شکل ۱۸:	آثار عرضه ارز حاصل از صادرات نفت در بازار بر تحقق درآمدهای ریالی دولت	۲۰۰
شکل ۱۹:	مکانیسم وقوع بیماری هلندی در اقتصاد	۲۰۳
شکل ۲۰:	آثار ایجاد حساب ذخیره ارزی بر متغیرهای مختلف اقتصادی	۲۰۶
شکل ۲۱:	آثار منفی سیاست صنعتی درونگرایی	۲۳۵
شکل ۲۲:	آثار اعمال سیاست جایگزینی واردات بر شکل‌گیری رانت‌جویی و قاچاق	۲۳۶
شکل ۲۳:	نقش دستمزد در تنظیم عرضه و تقاضای بازار کار	۲۴۳
شکل ۲۴:	نمایش گرافیکی ضریب جینی	۲۷۲